

گزارش مکتوب اغتشاش در همدان : درس ها و عبرت ها خبرگزاری صدا و سیما

پنجشنبه ۲۸ دی ۱۳۹۶ - ۱۸ ژانویه ۲۰۱۸

نا آرامیهای اخیر در کشور و در استان همدان درس ها و عبرت هایی برای مردم و بویژه مسئولان داشت که در این مختصر آنها را از نظر می گذرانیم.
۹ دیماه سال ۸۸ مردم پس از چندین ماه اغتشاش و آشوب یکپارچه و یکصدا علی رغم برخی نارضایتی ها همه به صحنه آمدند و "نه" بزرگ به فتنه و آشوب و در یک کلمه "نا امنی" دادند. اما امسال شیرینی بزرگداشت این روز با برخی تلخیها همراه شد که آن رویداد مهم را تحت تاثیر قرار داد.

اعتراضی که به آشوب کشیده شد

همزمان با این ایام برخی زمزمه ها و اعتراضات از گوشه و کنار در بین مردم به گوش رسید که بیشتر آنها جنبه اقتصادی و معیشتی داشت.
زمزمه بالا رفتن قیمت حاملهای انرژی , نان و بسیاری از کالاهای اساسی همچون تخم مرغ که به دوبرابر هم رسید مقدمه ای برای جدی تر شدن این اعتراض ها شد. حتی برخی تجمعات هم برگزار شد و خیلی سریع این اعتراضات با تبدیل شدن به اغتشاش و آشوب شکل متفاوت تری به خود گرفت.
اگرچه شروع این اعتراضات در ابتدا مردمی بود اما در ادامه کنترل ماجرا از دست معترضان درآمد و به دست گروهکهای معاند و استکبار به سرکردگی آمریکا افتاد.

همدان از استانهای درگیر در اغتشاش

در استان , شهرستانهای همدان , ملایر و تویسرکان بودند که درگیر ماجرای اغتشاشات شدند و همدان از جمله سه استانی در کشور بود که در این گرداب گرفتار شد و چند روز پر التهاب را گذراند , چند روزی که امنیت زندگی و کسب و کار را از مردم ربود و در حالت امنیتی فرو برد.
اولین شهری که در استان درگیر ماجرا شد همدان بود. در شهر همدان بعدازظهر روز جمعه ۸ دی ماه راهپیمایی اعتراضی با موضوع معیشتی در پیاده راه بوعلی به راه افتاد که البته تا حدود زیادی به آرامی و به دور از خسارت به اموال عمومی برگزار شد و این فضا تا چند روز بعد هم ادامه داشت.

ماجرای پرچم در ملایر

ملایر بزرگترین شهرستان استان پس از شهرستان همدان است که روز هشتم دیماه درگیر اغتشاش و آشوب شد و در طول یک شبانه روز به تیراکثر خبرگزاریها تبدیل شد.
در این میان پایین آوردن پرچم ایران از یکی از میدانهای اصلی شهر ملایر به سرعت در فضای مجازی منتشر و موجب ناراحتی و ناخرسندی و خشم بسیاری از مردم در استان و سایر نقاط کشور شد. به آتش کشیده شدن اموال عمومی و ایجاد نا آرامی در سطح شهر موجبات نارضایتی عموم مردم را به دنبال داشت.

کشته های مشکوک در تویسرکان

شهر تویسرکان از دیگر شهرهایی بود که اغتشاش و آشوب از بعدازظهر روز دهم دیماه در آن آغاز شد و تا پایان شب همان روز ادامه یافت .
کشته شدن مشکوک سه نفر و افزایش این شمار به شش نفر در فضای مجازی توانست موجب غبار آلود شدن فضای عمومی و تهییج فرصت طلبان برای آتش زدن فرمانداری , انفجار و به آتش کشیده شدن سه خودرو و تعدادی از شعب بانک ها و اموال عمومی شود.

اغتشاش گران در توپسرکان به سه بانک حمله کردند و پس از غارت برخی اسناد آن را آتش زدند، گفته می شود این افراد قصد حمله به زندان و آزاد کردن زندانیان را داشتند که ناکام ماندند. در مورد کشته شدگان حادثه هم یکی از کشته ها از عابران عبوری بود و دو نفر دیگر هم به گفته پزشکی قانونی توپسرکان از داخل جمع و از پشت و نه روبرو مورد تیراندازی قرار گرفتند. شمار کشته های این شهرستان که به گفته شاهدان عینی توسط افراد نقابداری صورت گرفت که با لهجه غیر بومی صحبت می کردند به سرعت در خبرگزاریهای خارجی بویژه انگلیس و آمریکا شش نفر عنوان و مانور زیادی بر روی آن داده شد. وقوع این حوادث در توپسرکان بسیاری را در حیرت و شوک فرو برد که بیشتر ظن و گمان غیر بومی بودن اغتشاشگران را تقویت می کرد. روزهای دهم تا دوازدهم دی ماه برخی نا آرامیها در نهاوند و اسدآباد ایجاد و منجر به آتش گرفتن تعدادی بانک و سطل زباله و مغازه شد که بیشتر خسارت های مالی داشت. اگرچه فراخوان هایی برای ایجاد اغتشاشات در شهرستانهای بهار، رزن، کبودرآهنگ و فامنین منتشر شد اما اتفاق ناگواری نیافتاد و در حد تعدادی تجمعات کوچک برگزار شد و پایان یافت.

سازماندهی اغتشاشات

نکته حائز اهمیت اینکه اگرچه برگزاری تجمعات اعتراضی ابتدا به صورت محدود در داخل شکل گرفت اما با اعلان فراخوان به صورت سازماندهی شده از خارج هدایت شد و به سرعت مورد حمایت برخی کشورهای نشانه دار در منطقه و جهان فرا گرفت. به نظر می رسد در این میان مثلثی شکل گرفته بود، مثلثی که در یک سر آن آمریکا و رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی حضور فعال داشتند، در سر دیگرش منافقین بودند و در سر سوم هم برخی آشوبگران که خواسته و ناخواسته نقش پادویی را عهده دار شده بودند خودنمایی می کردند. در این میان ناخواسته و با مدیریت ناصحیح برخی از مسئولان میدان عمل بازی عملا به دست غیر خودی ها افتاد. رسانه ملی در استان از همان ابتدا با حضور در صحنه همه اوضاع را در کنترل تصاویر خود گرفت و آنها را ثبت و ضبط کرد و با انتشار تصاویر از طریق رسانه های سراسری موجبات افزایش سوء استفاده گرها و اغتشاشگران را فراهم کرد و در بسیج مردمی و مدیریت خشم و انزجار مردم نقش برجسته ای داشت که اگر مسئولان اجرایی استان با رسانه استانی همراهی می کردند و حاضر به مصاحبه می شدند می توانست در بسیج مردمی علیه اغتشاشات موثرتر باشد.

رسانه ای عمل نکردن مسئولان استان

مسئولان اجرایی استان که در این هنگام نیاز بود در صحنه حاضر و فضا را از غبار آلودگی خارج و شفاف سازی کنند نخواستند از طریق شبکه استانی و سایر رسانه ها توصیه های لازم را به گوش مردم برسانند و صف معترضان واقعی را از اغتشاشگران مشخص نمایند و اگر مدیران اجرایی استان زودتر حاضر به مصاحبه می شدند و اطلاع رسانی می کردند چه بسا زودتر روشنگری صورت می گرفت و دامنه اغتشاشات کم و کمتر می شد.

نبود مدیریت بر شبکه های مجازی

در طول این مدت از طریق فضای مجازی فراخوان های هماهنگی اغتشاشات سراسری منتشر شد و زمان و مکان دقیق تجمعات را با نوع شعارها مشخص و سازماندهی می کرد که انتشار حجم گسترده این فراخوان ها و انتشار تصاویر و اخبار و ویدئوهای برای تهیه مواد آتش زا و نبود هیچگونه نظارتی برای آنها از طرف گردانندگان فضای مجازی و مسئولان کشور نیز خود حکایتی مجزا و قابل تأمل است.

هجوم حجم گسترده اطلاعات و تصاویر و ویدئوهایی که از طریق فضای مجازی منتشر شد موجب تحریک و تهییج برخی از جوانان و نوجوانانی شد که ناخواسته نقش پیاده نظام را برای فرصت طلبان ایفا کردند که اگر این مدیریت بر فضای مجازی به درستی صورت می گرفت شاهد چنین حوادثی نبودیم مدیریتی که همین الان هم شاهد نابسامانی در آن هستیم.

ضرورت ساماندهی محل های برگزاری تجمعات

مشخص نکردن فضای مناسبی برای مردم و اصناف و احزاب در صورت اعتراض به موضوع و مسئله ای خاص و پی در پی ندادن مجوزهای برگزاری تجمعات اعتراضی مسالمت آمیز از دیگر نقاط ضعف عملکرد مسئولان استانی و کشوری است که هر از چند گاهی موجب ایجاد اغتشاشاتی از این دست و ایجاد نا آرامی برای مردم می شود.

پر واضح است که مردم دارای یکسری اعتراضاتی نسبت به مسائل مختلف سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی هستند که کاملاً طبیعی است و در همه جای دنیا هم هست و چیز عجیبی نیست و اگر فضایی برای ابراز اینگونه اعتراضات دیده نشود متاسفانه در آینده و برای چندمین بار نیز باید منتظر اینگونه حوادث باشیم .

دادن اینگونه مجوزها به برگزاری اعتراضات و ساماندهی و کنترل و نظارت آنها و حضور مسئولان در بین مردم و پاسخگویی "عملی" و نه "لفظی صرف" آنان می تواند گام موثری برای جلوگیری از وقایع و حوادث اینگونه باشد.

رسانه ملی ورود دیر ، اما تاثیرگذار

ورود رسانه ملی به ماجرا اگرچه با صلاحدید شوراهاى بالادستی ، کمی دیر صورت گرفت اما بسیار تاثیرگذار بود .

اوج تاثیرگذاری گزارش ها و تصاویر صداوسیما را می توان در پایین کشیدن پرچم ایران در ملایر و آتش زدن پرچم در یکی از شهرها و سرازیر کردن ماشین آتش نشانی و کشته شدن یک کودک و پدرش در دورود استان لرستان مشاهده کرد که با انعکاس به موقع آن حوادث توانست مردم را علیه اغتشاشات بسیج کند و شاید همین تاثیرگذاری رسانه ملی بود که ترامپ و گاخ سفید را متقاعد کرد که تحریم صداوسیما را در دستورکار خود قرار دهد.

"بصیرت" همچنان در صدر

شاید مهم ترین نقش را در این میان باید به بصیرت و قدرت تمییز مردم داد . مردمی که تفاوت بین امنیت و نا آرامی را به خوبی می فهمند و امنیت را با بودن برخی مشکلات اقتصادی و معیشتی بسیار مهم تر و ارزشمند تر از "نا امنی" می دانند.

مضاف بر اینکه مردم ما دل خوشی از ترامپ و نتانیاهو و منافقین و سلطنت طلبان ندارند و هرگونه اظهار نظر آنان را دهن کجی به فهم و شعور ملت ایران و دخالت صریح در کشور و سرزمین خود و رفتار و گفتار آنان می دانند و همین ها می تواند به بسیج مردمی بیانجامد ، نکته ای که آنان هرگز به آن نمی اندیشند و آنرا در محاسبات خود در نظر نمی گیرند.

کلام آخر

در پایان بار دیگر باید خطاب به مسئولان از طیف های مختلف یادآور شد که پدید آمدن چنین حوادثی را باید نیک بنگرند و به دور از احساسات ، سطحی نگری و موضع گیریهای سیاسی و کاملاً بر اساس واقعیات آنرا تجزیه و تحلیل کنند و تا دیر نشده دست به اقدام بزنند. وقوع چنین حوادثی به مثابه زنگ خطری برای مسئولان است که در صورت توجه نکردن به دغدغه ها و مشکلات مردم و حل نکردن به موقع آنها می تواند فضا را برای پهن کردن تور فرصت طلبان آماده کند،

مسئولان از جناحهای مختلف سیاسی باید بدانند که نباید منافع ملی را فدای منافع جناحی و سیاسی خود کنند و به این امر واقف باشند که اگر آتشی بیافتد همه را با هم خواهد بلعد و خشک و تر را با هم خواهد سوزاند.

نگارش : حسن شعبانلو